

۱. آیات ۲۹ تا ۳۶ سوره مطففین:

«إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا يَضْحَكُونَ - وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ - وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ - وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَؤُلَاءِ لَضَالُّونَ - وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ - فَالْيَوْمَ الَّذِينَ آمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ - عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ - هَلْ تُؤِثُّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ.»^۱

ترجمه: «بدکاران (در دنیا) پیوسته به مؤمنان می خندیدند. - و هنگامی که از کنارشان می گذشتند آنان را با اشاره مسخره می کردند. - و چون به سوی خانواده خود باز می گشتند مسرور و خندان بودند. - و هنگامی که آنها را می دیدند می گفتند: «اینها گمراهانند» - در حالی که هرگز مأمور مراقبت و متکفل آنان (مؤمنان) نبودند. - ولی امروز مؤمنان به کفار می خندند. - در حالی که بر تخت های آراسته بهشتی نشسته و (به سرنوشت شوم آنها) می نگرند! - آیا (با این حال) کافران پاداش اعمال خود را گرفتند؟»

۱. مطابق تفاسیر ابن عباس مراد از «ان الذين اجرموا» را منافقین بر می شمارد و مراد از «الذين آمنوا» را علی بن ابی طالب و یاران او می داند.^۲

روح المعانی نیز مراد از «الذين آمنوا» را صحابه بزرگ که فقیر بودند و به سبب فقر مورد سخره واقع می شدند بر می شمارد.^۳ و فخررازی مسخره کنندگان را بزرگان قریش همانند ابوجهل و ولید بن مغیره می داند^۴ که مومنین را قبل از اینکه به پیامبر اقتدا کنند مسخره می کردند.

۲. خندیدن به این گروه از مصادیق استهزاء است، چنانکه در آیه دوم «يَتَغَامَزُونَ» به معنای مسخره کردن است (عَمَز به معنای اشاره با دست و چشم و در مقام عیب جویی است و گاه به معنای عیب جویی زبانی نیز به کار می رود و تعبیر «تغامز» به معنای آن است که همه کفار با هم چنین می کرده اند)

۱. مطففین/۲۹-۳۶.

۲. مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۵۷.

۳. روح المعانی، ج ۳، ص ۷۶.

۴. ج ۲۱، ص ۱۰۱.



و از آیات بر می آید که مشرکین، این کار را باعث پیروزی خود دانسته و از آن شادمان بوده اند و مومنین را گمراه می دانسته اند.

۳. «و ما ارسلوا عليهم حافظون» اشاره به آن است که کفار متکفل زندگی مومنین نبوده اند تا به نوعی حق داشته باشند زندگی مومنین فقیر را مورد نقد قرار دهند.

۴. فخررازی درباره اینکه چرا مومنین در قیامت به کفار می خندند می نویسد:

«و فی سبب هذا الضحك وجوه أحدها: أن الكفار كانوا يضحكون على المؤمنين في الدنيا بسبب ما هم فيه من الضر والبؤس، و فی الآخرة يضحك المؤمنون على الكافرين بسبب ما هم فيه من أنواع العذاب والبلاء، ولأنهم علموا أنهم كانوا في الدنيا على غير شيء، و أنهم قد باعوا باقيا بفان و يرون أنفسهم قد فازوا بالنعيم المقيم و نالوا بالتعب اليسير راحة الأبد، و دخلوا الجنة فأجلسوا على الأرائك ينظرون إليهم كيف يعذبون في النار و كيف يضطرون فيها و يدعون بالويل و الثبور و يلعن بعضهم بعضا الثاني: قال أبو صالح: يقال لأهل النار و هم فيها اخرجوا و تفتح لهم أبوابها، فإذا رأوها قد فتحت أقبلوا إليها يريدون الخروج، و المؤمنون ينظرون إليهم على الأرائك، فإذا انتهوا إلى أبوابها غلقت دونهم، فذاك هو سبب الضحك.

المسألة الثانية: قوله: عَلَى الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ حال من يضحكون أي يضحكون منهم ناظرين إليهم و إلى ما هم فيه من الهوان و الصغار بعد العزة و الكبر.

ثم قال تعالى: هَلْ تُؤَبُّ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ثوب بمعنى أتيب أي الله المشيب، قال أوس:

سأجزيك أو يجزيك عنى مثوب و حسبك أن يثنى عليك و تحمدى

قال المبرد: و هو فعل من الثواب، و هو ما يثوب أي يرجع إلى فاعله جزاء ما عمله من خير أو شر، و الثواب يستعمل في المكافأة بالشر، و نشد أبو عبيدة:

ألا أبلغ أبا حسن رسولا فما لك لا تجيء إلى الثواب

و الأولى أن يحمل ذلك على سبيل التهكم كقوله: ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ [الدخان: ٤٩] و المعنى كأنه تعالى يقول للمؤمنين: هل جازينا الكفار على عملهم الذي كان من جملته ضحكهم بكم و



استهزاؤهم بطريقتكم، كما جازيناكم على أعمالكم الصالحة؟ فيكون هذا القول زائداً في سرورهم، لأنه يقتضى زيادة فى تعظيمهم و الاستخفاف بأعدائهم، و المقصود منها أحوال القيامة. و الله أعلم.»^١

٢. آیه ۱۱ سوره حجرات

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَابِ بِئْسَ الْأِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.»^٢

«ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگز گروهی (از مردان شما) گروه دیگر را مسخره نکند شاید آن گروه (مسخره شدگان) بهتر از آنان باشند، و نه زنانی زنان دیگر را، شاید آن گروه بهتر از آنان باشند، و از یکدیگر عیب جویی نکنید، و همدیگر را به لقب های زشت مخوانید، بد نامگذاری است (یاد کردن مؤمن به) فسق پس از ایمان (مؤمن را به نام مرتکب گناهان خواندن)، و آنان که توبه نکنند آنهاوند که ستمکارند.»

ما می گوئیم:

١. آیه به مسخره کردن، لمزه (عیب جویی) و نبز (صفت ثابت و اسم بد به کسی دادن) اشاره کرده است. فخر رازی به نکته ای اشاره می کند و می گوید درباره عیب جویی «تَلْمِزُوا» به کار برده شده ولی در «تَنَابَزُوا» باب تفاعل است. چراکه عیب جویی ممکن است نسبت به کسی که این کار را می کند، واقع نشود ولی اگر نام گذاری شد، فرد ضعیف هم قوی را نام بد می گذارد.^٣
٢. تفسیر نور الثقلین در شأن نزول این آیه حدیثی را ذکر می کنند:

«فی تفسیر علی بن ابراهیم واما قوله: یا ایها الذین آمنوا لا یسخر قوم من قوم عسی ان یكونوا خیرا منهم ولا نساء من نساء عسی ان یکن خیرا منهن فانها نزلت فی صفیة بنت حی بن اخطب، وکانت

١. فخر رازی، مفاتیح الغیب، ج ٣١، ص ٩٥.

٢. حجرات/ ١١

٣. ج ٢٨، ص ١٣١.





زوجة رسول الله (صلى الله عليه وآله) وذلك ان عايشة وحفصة كانتا تؤذيانهما وتشتمانها وتقولان لها: يا بنت اليهودية.

فشكت ذلك إلى رسول الله (صلى الله عليه وآله) فقال لها: الا تجيبهما؟ فقالت: بماذا يا رسول الله قال: قولى ان أبى هارون نبى الله وعمى موسى كليم الله، وزوجى محمد رسول الله (صلى الله عليه وآله) فما تنكران منى؟ فقالت لهما، فقالتا: هذا علمك رسول الله (صلى الله عليه وآله)، فانزل الله فى ذلك: يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى أن يكونوا خيرا منهم إلى قوله: ولا تنازروا بالالقباب بسئ الاسم الفسوق بعد الايمان.^۱

۳. این آیه از صریح ترین آیات در موضوع ماست چراکه در مورد بقیه آیات ممکن است گفته شود که نوعی خاص از مسخره کردن مورد اشاره است، مثلاً مسخره کردن اغنیاء فقرا را. یا مسخره کردن دین داری و نماز خواندن یا حتی ممکن است برخی آیات با توجه به مبالغه در این امور حکم به تقبیح کرده باشند ولی این آیه صریح در مطلب و مطلق از این قیود است.

۳. آیات ۱۰ و ۱۱ سوره قلم

«وَلَا تُطْعُ كُلَّ حَلْفٍ مَّهِينٍ - هَمَّازٍ مَشَاءٍ بِنَمِيمٍ.»^۲

«و از هر قسم خورنده فرو مایه ای فرمان مبر - [که] عیبجوست و برای خبرچینی گام بر می دارد.»

در این سوره، علاوه بر دروغ گویان و قسم خورندگان، همّاز (عیب جویی) که به نامی (سخن چینی) اقدام می کند هم مورد اشاره قرار گرفته اند و پیامبر از اطاعت آنها منع شده است.

ظاهر آیه مربوط به غیبت کنندگان و سخن چینی است ولی فخررازی همّاز را طعنه زننده معنی کرده است که می تواند مشعر به مسخره کردن باشد.^۳

۱. ج ۵، ص ۸۹.

۲. قلم/ ۱۰-۱۱.

۳. ج ۳۰، ص ۸۴.

